

بہاریہ های دل انگیز راد



طاووس را اشاره می پروردگار ما

انگونه شد که بهتر از آن را جهان نیافت

هوشنگ صفرپور راد

سرشناسه	: صفحہ پوراد، هوشنگ، ۱۳۲۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: بهاریه‌های دل‌الیزراد/نویسنده هوشنگ صفحہ پوراد.
مشخصات نشر	: مشهد: نی‌نگار، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۷۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۰۰-۷۸-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry -- 20th century
رده بندی کنگره	: ۸۳۵۰ PIR
رده بندی دیویی	: ۶۲/۱۴۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۱۲۲۱۰



انتشارات نی نگار

بهاریه‌های دل‌انگیز راد

نویسنده: هوشنگ صفرپور راد

چاپ: معین

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۰۰-۷۸-۱

دفتر نشر: مشهد - خیابان آبکوه ۷ - دانشسرای ۸ - شماره ۹۰

تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۷۴۷۶۵ | دورنگار: ۰۵۱-۳۷۲۵۱۳۰۲ | www.marandiz.com

تمام حقوق چاپ و نشر این اثر طبق قرار داد محفوظ است و هر گونه چاپ و تکرار از محتوای این کتاب بدون اجازه کتبی ممنوع است.

متخلفان به موجب قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار میگیرند

قیمت: ۲۰,۰۰۰ تومان

- ۹.....مقدمه: گفتار جناب مهندس جهان شیری
- ۱۱.....تشکر از دوست اندیشمند جناب مهندس جهانشیری
- ۱۲.....دوران کودکی و مکتب
- ۱۳.....علاقه به بهار
- ۱۴.....انجمن فرخ
- ۱۵.....نمونه ای از کوتاهترین نامه هایم
- ۱۵.....اولین نامه ام به قلم
- ۱۵.....نامه ی دنیا به رئیس جمهور آمریکا
- ۱۵.....نامه ای به شعور دنیا
- ۱۵.....نامه ای به دلها
- ۱۵.....نامه ای به مسافران ایرانی
- ۱۶.....نامه ای به فکر دنیا
- ۱۶.....نامه ای که باید چند هزار سال پیش نوشته میشد
- ۱۶.....نامه ای به مادران دنیا
- ۱۶.....نامه ای به فرازانیشان
- ۱۶.....نامه ای به شهرداران دنیا
- ۱۷.....نامه ای به رؤسای دنیا
- ۱۷.....نامه ای به جوانان دنیا

- ۱۷..... نامه ای به یکی از دوستانم که از ایران بدور است و آشتی نمی کند
- ۱۷..... نامه ای به دانشمندان دنیا و جوانان امریکا
- ۱۸..... نامه و طرح توتستان به صدا و سیمای ایران
- ۱۹..... در بهار اندیشه ام از جسم و جان گوید بگوی
- ۲۰..... کیست دوباره گویدم از هنر جهان بگوی
- ۲۱..... سیمرغ آسمان خیال مرا بگوی
- ۲۲..... جوان بود فکر من اندر بهار
- ۲۴..... به امید دلدار دور از نیاز
- ۳۰..... یک شب ز هزار شب که دیدم
- ۳۲..... چون بها رآمد دلا اسرار پنهان را بجوی
- ۳۳..... زمان نوجوانی یادم آمد
- ۳۳..... جوان بودم اندر مسیر بهار
- ۳۴..... چون شود نزدیک ایام بهار
- ۳۸..... ای شمیم نفست همچو بهار
- ۳۹..... یاران که می برد به گلستان پیام ما؟
- ۴۰..... دوباره جهان پر ز اعجاز شد
- ۴۱..... دوستان چون میشود فصل بهار اندیشه ام
- ۴۲..... شبی دور از بهار و بهمن و دی
- ۴۲..... می رود دل دوباره فکر مرا
- ۴۳..... دوستان چون می شود فصل بهار
- ۴۳..... شد بهار و جهان به رقص آمد
- ۴۴..... شد دوباره نوبهار و بوستان شد در سرور

- ۴۴..... چون فصل بهار آمد، ایام دل آرا شد.
- ۴۵..... من از بهار دوباره سروده ام سخنی.
- ۴۵..... دوباره فصل بهار است و عقل می گوید.
- ۴۶..... شد بهار دل فروز و گل تماشایی بود.
- ۴۷..... آن دم که میل دیدن بستان کند دلم.
- ۴۸..... نگار مهربان ما که دل ها را به رقص آرد.
- ۴۹..... بهار آمد و گل در بهار می رقصد.
- ۵۰..... نگار ما اگر یک لحظه ابرو را به رقص آرد.
- ۵۰..... نوبهار آمد و ایام شتابیدن گل.
- ۵۱..... دوباره بهار است و فصل سرور.
- ۵۲..... نوبهار است و جهان شد به سرور.
- ۵۳..... دوباره جهان نوجوانی گرفت.
- ۵۴..... من ندانم که بگوید که بیا تا برویم.
- ۵۴..... یادم آمد که یکی گفت چه گویی ز بهار؟
- ۵۵..... دوباره طایر طبعم به فکر کامرانی شد.
- ۵۶..... شد دوباره ماه فروردین و جان شد در سرور.
- ۵۶..... بهار است و فکر سحرخیز من.
- ۵۷..... ای نام دل انگیزت منظومه ی زیبایی.
- ۵۸..... طایر اندیشه ام گوید در ایام بهار.
- ۵۹..... شد اردیبهشت و جهان چون بهشت.
- ۶۰..... ای که اندر آسمان مهر و ماه آورده ای.
- ۶۱..... کیست که گویدم بگوی چون شده فصل بهار.

- ۶۲ سیمرغ رویایی من ما را به بستان میبرد
- ۶۲ خرم آندم که دوباره بدمد باد بهار
- ۶۳ روز نوروز سال سبزد و چل
- ۶۴ شنیدم که سعدی شبی در بهشت
- ۶۴ ای دوستان روایت فردایم آرزوست
- ۶۵ ما جهانرا در پی اسرار پنهان میرویم
- ۶۶ ای دل من گاهی گاهی مهربانی را بجوی
- ۶۷ نوبهار است و جهان شد ز پی دیدن گل
- ۶۸ دل گوید ای پرنده از آشیان به رقص آی
- ۶۹ دلا یکدم به جسم و جان پیاید
- ۷۰ شد اردیبهشت و جهان چون بهشت
- ۷۲ نوبهار است و گلستانها تماشایی بود
- ۷۲ دوباره فصل بهار است و عقل میگوید
- ۷۳ چون بهاران ابر و باران می رود
- ۷۳ دوستان فصل بهار است و در این دنیای
- ۷۴ چون سحر شد دور از خفتن دل بیدار من
- ۷۶ بار دیگر ز همت نوروز
- ۷۶ چه نوبهار فرا میرسد تمیدانم
- ۷۷ چون بهار آید شعور آسمان سیرم مرا
- ۷۸ یادم آمد در بهارستان دل یادآورم
- ۸۰ ای دل ناز پرورم از هنر جهان بگوی

مقدمه: گفتار جناب مهندس جهان شیری

گاهی مجموعه‌های شعری به دست من می‌رسد از کسانی که دبیرستان و دانشگاه - دیده نیستند، باید چند صباحی بنشینم و با تدبر به نقد آن اثر بپردازم مثل این اشعار:

شکر آن خدای را که در آئینه‌ی جهان ما را ز مردمان ستمگر نیافرید

دیوان تفکر برانگیز راه شاعر نام‌آشنای سرزمینمان که لازم است در آن اثر تعمق و تفکر نمود. آن چه اینجانب پس از مطالعه دیوان ایشان به دست آورده‌ام اشعاری بود که از اعماق جان یک روستازاده برخاسته که طبیعت روستا و دامنه‌های کوه‌ها و آبشارها روحش را تسخیر کرده که گویند:

بلبل ببین چگونه سراید سرود وحی

دشت و بیابان به او حکمت آموخته، نه مدرسه و دانشگاه و این مطلب را کسانی درک می‌کنند که با زمزمه‌ی آبشارها و عطر نسیم کوهستان و دامنه‌های سرسبز طبیعت زندگی کرده باشند. خصوصا آنان که بتوانند این زیبایی‌ها را با رموز خلقت این‌گونه پیوند دهند.

طاووس را ببین به چه نظمی سروده شد